

گزارش ورشکستگی اقتصاد، گزارش استیصال حکومت

شها دانشفر

گزارش سازمان برنامه و بودجه ایران که به تازگی انتشار یافته به تحلیل بدهی‌های دولتی پرداخته و در مورد خطر ورشکستگی اقتصادی ایران در آینده ای نزدیک هشدار میدهد و این خطر را حتی در صورت رفع تحریم‌ها جدی میداند.

در این گزارش سازمان برنامه و بودجه چشم انداز بدهی‌های دولتی را در متن دو سناریوی رفع یا ادامه تحریم‌ها مورد بررسی قرار داده و اولین هشدارش اینست که بدون "تجدید نظر اساسی در ساختار اقتصادی ناسالم کشور" دولت ایران در آینده نزدیک در آستانه ورشکستگی قرار خواهد گرفت. در این بررسیها این گزارش ضمن تاکید بر اینکه در صورت ادامه تحریم

ها دولت تا سال ۱۴۰۳ یعنی سه سال دیگر به
مرز ورشکستگی خواهد رسید، از احتمال
ورشکستگی اقتصادی ایران حتی در صورت
رفع تحریم‌ها تا سال ۱۴۰۵ خبر میدهد. بنا بر
این گزارش، چنانچه تحریم‌ها ادامه پیدا کند،
نرخ دلار تا سال ۱۴۰۴ به ۱۰۰ هزار تومان و در
سال ۱۴۰۶ به ۲۸۴ هزار تومان خواهد رسید.
گزارش همچنین حاکیست که حتی در صورت
برداشته شدن فشار تحریم‌ها، در ۶ سال آینده
نرخ تورمی به طور متوسط ۲۸ درصد خواهد
بود و در سناریوی باقی ماندن تحریم‌ها، تا
شش سال آینده نزدیک به ۵۴ درصد خواهد
بود. گزارش در نهایت تأکید کرده است که
بدون "تجدیدنظر اساسی در چگونگی تأمین
و توزیع بودجه دولت" حل مشکل بدهی غیر

ممکن است.

بنا بر خبرها گزارش مزبور بر اساس کار مشترک سازمان برنامه و بودجه و معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه در اواخر کار دولت روحانی در مرداد تهیه شده و جدیداً انتشار علنی پیدا کرده است. در واکنش به آن سازمان برنامه و بودجه دولت ابراهیم رئیسی نیز با انتشار بیانیه‌ای رسمی، اصالت جدول‌های منتشر شده در این گزارش را مورد تأیید قرار داده است.

روشن است که فروپاشی اقتصادی حکومت موضوع جدیدی نیست. اما انتشار چنین گزارشی از سوی سازمان برنامه و بودجه و

تایید آن توسط تمام بخش های حکومتی قبل از هر چیز اعتراف کل حاکمیت به استیصال و ورشکستگی و رسیدن به پایان کارشان است. اینکه بطور واقعی ریشه بحران اقتصادی حکومت اسلامی و کشیده شدن آن به یک ورشکستگی تمام عیار چیست، نکات قابل توجه گزارش سازمان برنامه و بودجه کدامند، تاثیرات وخامت و بن بست اقتصادی رژیم بر وضع و حال حکومت و بر زندگی و معیشت مردم چیست و بالاخره اینکه اوضاع به کدام سمت و سو میرود، موضوعاتی است که تلاش میکنم اشاره وار در این نوشته به آنها بپردازم.

بحران و رکود همزاد حکومت است

در ایران یک سرمایه داری به غایت انگلی، رانت خوارانه و مافیایی حاکم است. بعلاوه ویژگی های سیاسی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و ضدآمریکائی گری و غرب ستیزی آن وضعیت اقتصادی در ایران را با یک بحران مزمن و مداوم مواجه کرده است. به این اعتبار بی ثباتی اقتصادی و بحران و رکود همزمان، همزاد این حکومت است و یک خصوصیت پایه ای آنست. از همین رو با تحریم یا بدون تحریم راه نجاتی برای اقتصاد به بن بست رسیده جمهوری اسلامی وجود ندارد. از جمله دیدیم که برجام هم آن زمان که در جریان بود نتوانست نجاتی برای اقتصاد در هم شکسته حکومت اسلامی باشد.

امروز هم همه حرف ما اینست که هیچگونه
"تجدید نظر اساسی در ساختار اقتصادی ناسالم
کشور" یعنی آن چیزی که در گزارش سازمان
برنامه و بودجه بر آن تاکید شده، نه عملی و
نه نجات بخش این حکومت و اقتصاد به گل
نشسته آن خواهد بود. بخشهای متعدد مافیای
حاکم که از قبل دزدیها و اختلاسهای کلان
ارتزاق میکنند اجازه هیچ تغییر ریلی را که
مانع چپاولهایشان باشد نمیدهند. بعلاوه رفع
تحریم ها نیز هدف در دسترسی برای حکومت
نیست. این را خود حکومتیان هم میدانند.
همانطور که اشاره کردم غرب ستیزی و ضد
آمریکائی گری هویت پایه ای جمهوری اسلامی
است و این حکومت نمیتواند از سیاستهای
خود در منطقه و از جمله در کشورهای چون

عراق، یمن، لبنان، سوریه و همین امروز در آذربایجان و غیره دست بردارد. و فاصله گرفتن از این سیاستها برابر است با بهم ریختگی صفوف حکومت و تضعیف بیشتر موقعیتش در منطقه و این برای جمهوری اسلامی نا ممکن است. آمریکا نیز منافع خود را و سیاستهای خود را در منطقه دنبال میکند و بویژه یک طرف معادله اسرائیل است و تمام جناحهای حاکم در آمریکا حامی سرسخت آن هستند و یک لابی قدرتمند در هیئت حاکمه آمریکا دارد. و همه اینها بطور واقعی علل پایه ای شکست برجام و هر نوع برجام دیگری است.

نکات قابل توجه گزارش اقتصادی سازمان
برنامه و بودجه

اولین نکته قابل توجه در گزارش سازمان برنامه و بودجه بیان این حقیقت آشکار است که با تحریم یا بدون تحریم اقتصاد ایران سیر رو به ورشکستگی دارد و رفع تحریم ها فقط میتواند زمان آنرا کمی به تاخیر بیندازد. از جمله گزارش مربوطه از بدهی ۵۰ درصدی دولت به تولید ناخالص داخلی بعنوان یک شاخص بارز ورشکستگی خبر داده و تصریح میکنند که حتی در صورت رفع تحریم ها، بدهی دولت به بخش های مختلف اقتصادی در پایان سال ۱۴۰۰، بارشدهی ۴۴ درصدی نسبت به سال ۹۹، به ۱۸۹۱ میلیارد تومان و در پایان سال ۱۴۰۶ به ۱۵۴۵۶ هزار میلیارد تومان خواهد رسید.

دوما گزارش سازمان برنامه و بودجه پیش از پیش ناممکن بودن برون رفت اقتصادی جمهوری اسلامی از بحرانی که در آن دارد دست و پا میزند را به نمایش میگذارد. به این معنا که جمهوری اسلامی حکومت بحران است و در تمام طول حاکمیتش کوشیده است که بار بحرانش را بر گرده مردم سوار کند و به هر دری زده و مردم را چپاول و غارت کرده است تا به اینجا رسیده است.

این حکومتی است که همین الان با کسری بودجه سیصد هزار میلیارد تومانی روبروست و از روی استیصال حتی در بودجه سال ۱۴۰۰ خود دست برده است.

استقراض از بانکها بخشی از بساط دزدی و چپاول این حکومت بوده و تحت عناوین مختلف سران این حکومت و دارو دسته هایشان وامهای کلانی گرفته اند و پول شویی ها شده است و همین امروز بحث بر سر به ورشکستی رسیدن بانکهاست. بنابراین امکان استقراض از بانکها به صفر رسیده است و انجام آن نتیجه ای جز و خیم تر شدن وضع بانکها و در عین حال بی ارزشتر شدن ریال و افزایش بی مهار تورم نخواهد داشت.

این حکومت با فروش اوراق قرضه تا هم اکنون پولهای بسیاری از جیب مردم بیرون کشیده است و از همین رو امروز با یک جنبش بزرگ

مالباختگان علیه اختلاس‌گریهای حکومت
روبروییم.

و امروز وقتی از بدهی‌های دولت صحبت
میکنیم بنا بر گزارشات، صندوق توسعه ملی
و تامین اجتماعی دو نهاد عمومی غیر دولتی
ای هستند که بیشترین طلب را از دولت
دارند و همین الان صندوق تامین اجتماعی
که سرمایه آن تماما متعلق به کارگران و از
منبع حق بیمه میلیونها کارگر اندوخته شده،
در نتیجه چپاولگریهای دولت بعد از دولت
به ورشکستگی رسیده و خالی است. معنای
این چپاولگریها محرومیت این جمعیت وسیع
میلیونی و از جمله بازنشستگان تحت پوشش
این صندوق از پایه‌ترین خدمات بیمه‌ای و

تعرض هر روز بیشتر به زندگی و معیشتشان است. بنابراین با اعلام رسمی ورشکستگی دولت کل جامعه به طغیان در خواهد آمد.

از سوی دیگر تحمیل مالیاتهای سنگین بر مردم و بستن مالیات بیشتر بر کالاها و افزایش قیمت ها کمر مردم را شکسته است. از جمله همین امروز با افزایش چند برابری قیمت برق و آب و در پیش بودن گرانی بنزین روبرویم و این گرانی ها تاثیرات مستقیم خود را بر رشد قیمت همه اجناس و کاهش بیشتر قدرت خرید مردم و به تباهی رسیدن زندگی و معیشت کل جامعه گذاشته و خواهد گذاشت.

بعلاوه مدتهاست که این حکومت طرح تغییر

واحد پول ملی از ریال به تومان و حذف چهار صفر از آن را در سر میپرووراند و چاپ بیشتر اسکناس سقوط شدیدتر ارزش ریال و بانکها را در پی خواهد داشت و با چشم اندازی که در برابر رشد قیمت دلار ترسیم شده عملا پول ایران سرنوشتی مشابه پول بی ارزش شده در کشورهای ورشکسته دیگر را پیدا کرده است.

و بالاخره اینکه گزینه گرفتن وامهای خارجی نیز در مقابل این حکومت قرار ندارد و همانطور که گزارش سازمان برنامه و بودجه نیز به آن پرداخته به دلیل انزوای اقتصادی و کشمکش ایران با FATF حتی در صورت رفع تحریمها جمهوری اسلامی نمیتواند برای تامین کسری بودجه خود وام خارجی قابل توجهی بگیرد.

اگر چه حتی اگر این راه نیز برای ایران باز باشد، باز منبعی برای دزدی بیشتر سران حکومت خواهد بود. بدین ترتیب اقتصاد فروپاشیده جمهوری اسلامی قطعاً تحمل رساندن خود به سال ۱۴۰۳ و سالهای بعدی را هم ندارد و در چنین شرایطی جامعه آبستن تحولات بنیان کنی قرار دارد و همه شواهد انقلابی زیر و رو کننده را در چشم انداز نزدیک جامعه قرار داده است.

اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی و مردم

گزارش سازمان برنامه و بودجه جمهوری اسلامی و هشدار آن به ورشکستگی اقتصادی ایران در آینده ای نزدیک، شرح اتفاق عظیم تری است

که در سطح جامعه جاری است. امروز بحث بر سر به هم ریختن شیرازه اقتصادی حکومت اسلامی و تاثیر فاجعه بار آن بر وجوه مختلف زندگی و معیشت مردم است. به آمارهای ارائه شده از سوی حکومتیان نگاه کنیم. بنا بر گزارش «پایش فقر» وزارت کار از هر سه ایرانی، یک نفر و در کل بیش از ۲۶ میلیون نفر در ایران در فقر مطلق زندگی می کنند. در همین آمار ها از خط فقر ۱۱ میلیونی و ۱۲ میلیون تومانی گزارش میشود. اگر چه ارائه این رقم ها همیشه جنجالی و یک موضوع جدال حکومتیان بوده است. این درحالیست که حداقل دستمزد دو میلیون و ششصد هزار تومان است که کمتر جایی سراغ داریم که همین حداقل چند بار زیر خط فقر بموقع پرداخت شود. ضمن اینکه

بخش اعظم همین دستمزد و دریافتی های ناچیز مردم را نیز هزینه های مسکن می بلعد. از جمله گزارشات حاکیست که ۶۰ درصد درآمد خانواده ها صرف مسکن میشود. آنهم مساکنی که در اکثر موارد فقط یک بیغوله اند و در تهران گزارشات از ۴ میلیون حاشیه نشین خبر میدهند و این پدیده دامنگیر تمام استانها شده است.

از سوی دیگر گزارشات از رشد سرسام آور بیکاری خبر میدهند. بیکاری عظیم میلیونی امروز به یک فاجعه بزرگ انسانی تبدیل شده است و با تشدید بحران اقتصادی حاکم هر روز کارخانجات بیشتری به تعطیلی کشیده شده و کارگران بسیاری از کار بیکار میشوند.

در یکی از گزارشات اخیر عبدالملکی وزیر کار جمهوری اسلامی از بیکار شدن یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر در سال گذشته بدلیل شیوع کرونا خبر میدهد که رقم واقعی از اینهم بالاتر است. در این آمار دادنها یک بحث داغ بر سر موج بیکاری جوانان است و از جمله روزنامه مستقل در بیست و ششم مهرماه صراحتاً از اینکه باید مانع بروز پدیده هایی چون شورشهای بیکاری و گرسنگان شد، سخن میگوید. از جمله تبعات اجتماعی این ابعاد فقر و بی تامینی کاسته شدن دو میلیون نفر از تعداد دانش آموزان در دو دهه اخیر است و با چندین میلیون کودک خارج مانده از تحصیل و کودکان کار و خیابان روبرویم. و این آمارها را خود حکومتیان دارند گوشه هایی را بیان

میکنند و هشدارهایشان به در پیش بودن
”شورش گرسنگان و بیکاران“ بالاست. بعلاوه
اینکه معضلات اولیه دیگری چون قطع آب و
صدمه خوردن به کار کشاورزان و دامداران بر
وخامت این فاجعه عظیم اجتماعی شدت داده
است. از سوی دیگر در میان همه این آمارها
مرگ و میر در چنگال بیماری بیرحم کرونا و بی
درمانی و بی تامینی بیداد میکند و تکانهنده
است. و این ها همه گوشه ای کوچک از وضع
اسفناک زندگی و معیشت مردم تحت حاکمیت
سرمایه داری ورشکسته مافیایی اسلامی است.

سیاست حکومت در قبال زندگی و معیشت
مردم روشن است. خامنه ای با فتوای اینکه
مردم باید با تحمل فشارها به اجرای ”اقتصاد

مقاومتی “ کمک کنند لب و اساس آنرا بیان کرده است.. بیرون آوردن اسم رئیسی از صندوق رای به عنوان رئیس جمهور نیز برآمد چنین اوضاعی است. رئیسی نیز با کابینه امنیتی نظامی اش جلو آمده تا شاید بتوانند اوضاع را ذره ای هم که شده کنترل کنند و فرمان رهبرشان را متحقق سازند. اما جنبش رای ما سرنگونی است از همان مقطع مضحکه انتخابات قد علم کرد و همانطور که قبلا هم اشاره کردم رئیسی، رئیس جمهوری است که از مردم در ایران و در جهان فراری است و از او بعنوان رئیس جمهور جلاد اسم میبرند.

روشن است که انقلاب بخودی خود زاده فقر نیست و گرسنگی و بی تامینی در جوامع خود

بخود به حرکتی در میان مردم تبدیل نمیشود. اما اینجا بحث بر سر جامعه ایست که سالهاست در التهاب است و در همین سالهای اخیر خیزش هایی چون خیزش ۹۶ و ۹۸ و خیزش مردمی در شهرهای خوزستان و کشیده شدن ترکش هایش به شهرهای دیگر را داشته ایم. در ایران ما با یک جنبش قدرتمند برای سرنگویی جمهوری اسلامی با گفتمان های چپ، مدرن و رادیکال روبرویم. جنبشی که عمق آزادیخواهی و برابری طلبی را در شعارهای هر روزه اعتراضی مردم در کف خیابان و در بیانیه ها و کیفرخواستها علیه حاکمیت میتوان دید. بعلاوه در اینجا جنبش کارگری جلوی صحنه اعتراضات مردمی قرار دارد و با عروج خود گفتمان های کارگری و آلترناتیو شورایی را به

جلو آورده است و هر روز قویتر به جلو گام بر میدارد. از جمله همین امروز نفت آرام و قرار ندارد و کارگران مدتهاست که دارند ساختارهای پایه ای اقتصادی حاکم را به چالش می کشند و گوشه گوشه این بخش کلیدی کارگری اعتراض است. در اینجا ما هفت تپه را داریم که بدرست خود را پایتخت اعتصابات جهان نامیده و یک سنگر مهم جنبش کارگری در تقابل با سرمایه داری حاکم است. در اینجا ما جنبش اعتراضی معلمان را داریم که در برابر حکومت کرونایی ایستاد و با دفاع از حق تحصیل رایگان همه کودکان و اجرایی شدن آن در همین دوران بحران کرونایی صدای همه مردم شد و ۴۵ شهر را به حرکت در آورد. و اینجا جایست که مردم مستقیماً خامنه ای و

سران این حکومت را علنا به عنوان عاملین
مستقیم کشتار جمعی کرونا به چالش کشیده
و دادخواهند.

از همین رو ورشکستگی اقتصادی جمهوری
اسلامی امروز بیش از پیش مساله اقتصاد
و معیشت را به مساله سیاسی روز و جدال
مردم با کل بساط سرمایه داری وحشی حاکم
تبدیل کرده است. و این جامعه ای است که از
اعتراض میجوشد و مردم در اعتراضات هر
روزه خود دارند ادامه آبان را فریاد میزنند.
پیام گزارش اقتصادی سازمان برنامه و بودجه
از وضع بحرانی اقتصاد در ایران نیز همین
است.

سخن آخر اینکه امروز جدالی سخت در میان حکومت و مردم در جریان است. حکومت در ضعیف ترین موقعیت خود قرار دارد و جامعه در شرایطی است که میتواند این تعرضات را عقب بزند و نه تنها این بلکه کل بساط جهنمی جمهوری اسلامی را جارو کند. برای مردم راه دیگری جز این برای دفاع از زندگی و معیشتشان وجود ندارد.

در این جدال هر روزه جمهوری اسلامی با گسترش تعرضاتش سعی میکند برای خود فرجه بخرد و در مقابل مردم ایستاده اند و هر روز شماری از فعالین را دستگیر میکنند. نکته اینجاست که تعرضات حکومت را باید با تعرض پاسخ داد. امروز میتوان و باید با یک جنبش

قوی مطالباتی یقه جمهوری اسلامی را گرفت و به آن امان نداد. و در این جدال هر درجه از عقب نشینی حکومت، گامی به جلو برای جنبش سرنگونی است. طبعاً یک بخش بزرگی که همین امروز در معرض تعرض معیشتی از سوی حکومت قرار دارند بازنشستگان هستند. بخاطر خالی شدن صندوق بازنشستگی، باید یکشنبه های اعتراض را بازسازی کرد. در عین حال باید در کنار معلمان ایستاد و اعتراضات سراسری در دفاع از حقوق کودکان و بازگرداندن کودکان خارج مانده از تحصیل را به چرخه آموزش وسیعاً پشتیبانی کرد. باید جنبش برای خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی را سراسری کرد. باید دفاع از حقوق پایه برای همه مردم بدون درآمد و کم

در آمد را با قدرت به جلو برد. باید علیه اعدام و دستگیری ها و سرکوبگری های حکومت ایستاد و با اعتراضاتی سراسری در زندانها را گشود. باید اعتراضات در نفت را سراسری کرد و کنار نیشکر هفت تپه ایستاد و این سنگر مهم جنبش کارگری را حفظ کرد و دستاوردهای آنرا به گسترش اعتراضات در بخش های دیگر کارگری تبدیل کرد. به جمهوری اسلامی نباید امان داد و باید کل بساط این توحش و بربریت را جارو کرد.

۲۱ اکتبر ۲۰۲۱

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام